



ISSN:2588-7033



Exploitation of Bioterrorism in the Political and Military Relations of the Rulers in Islamic History

Masoumeh Dehghan ^a, Seyedeh Narges Tanhaei ^b, Mahboubeh Farkhondezadeh ^{c*}

^a Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran

^b PhD Student, Department of Islamic History and Civilization, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

^c Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, Faculty of Theology and Islamic Teachings, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

KEYWORDS

bioterrorism, poison, poisoning, poisoning tools

Received: 21 November 2023;
Accepted: 17 April 2024

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2024.2016189.1516

ABSTRACT

In the political history of Islam and Iran, bioterrorism was utilized as a weapon to eliminate rivals and achieve political and military objectives. This article aims to investigate the poisoning methods, uses of poison as well as measures to prevent it in the political-military arena of Islamic civilization. The results show the poisoning of political figures, religious and military leaders as well as changing the results of wars by the biological assassination of commanders and the poisoning of troops in military conflicts and political challenges were tactics those in power used. This research tries to examine ways of using poison as a biological weapon in major historical events of Islam and also to analyze the way of employing this method as the easiest way to eliminate military and political commanders and to change the outcomes of wars and political events to achieve political and military goals. The results additionally indicate that bioterrorism had important effects in key political and military periods in the history of Islam, contributing to changes in the fate of many events.

* Corresponding author.

E-mail address: farkhondehzadeh@um.ac.ir

©Author





بهره برداری از ترورهای بیولوژیک در مناسبات سیاسی و نظامی حکمرانان در تاریخ اسلام

معصومه دهقان الف، سیده نرگس تنهایی ب، محبوبه فرخنده زاده ج*

الف دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، ma.dehghan@shirazu.ac.ir

ب دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، nt152077@yahoo.com

ج استادیار، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، farkhondehzadeh@um.ac.ir

farkhondehzadeh@um.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
ترور بیولوژیک، سم، مسموم-سازی، ابزارهای مسموم سازی	در عرصه حوادث سیاسی تاریخ اسلام و ایران؛ برای حذف مخالفان و رقبا و تحقق اهداف سیاسی و نظامی از ترور بیولوژیک استفاده می شده است. این نوشتار تلاش دارد شگردهای مسموم سازی، کاربرد زهر و تدبیرهای پیشگیری از آن را در عرصه سیاسی- نظامی تمدن اسلامی بررسی کند. مطالعات نشان می دهد مسموم سازی رجال سیاسی، بزرگان دینی و نظامی، تغییر نتایج جنگ ها به روش ترور بیولوژیک فرماندهان و مسموم سازی سپاه در درگیری های نظامی و چالش های سیاسی مورد توجه صاحبان قدرت بوده است. مسئله این پژوهش بررسی کاربرد سم و زهر به عنوان سلاح بیولوژیک در حوادث مهم تاریخی اسلام و تحلیل شیوه های بهره برداری از این روش به عنوان ساده ترین راه حذف فرماندهان نظامی و سیاسی و تغییر در نتایج جنگها و رویدادهای سیاسی بر اساس این پرسش است که چگونه ترور بیولوژیک سرنوشت حوادث سیاسی و نظامی را در عرصه حوادث تاریخ اسلام تغییر می داده است؛ و روشها و عوامل دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی در مسموم سازی چگونه بوده است؟ دستاوردهای پژوهش نشان داد که ترور بیولوژیک تأثیرات مهمی را در مقاطع سیاسی و نظامی حساس در تاریخ اسلام داشته است و توانسته سرنوشت بسیاری از رویدادها را تغییر دهد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

استفاده از سم برای کشتن انسانها قدمتی به اندازه عمر انسان دارد. این شیوه کشتن، در زمره قتل های غافلگیرانه، ترور یا به صورت علمی تر ترور بیولوژیک محسوب می شود. همواره گروه های مختلفی از صاحبان قدرت، مانند سلطان، وزیر، امیر، خلیفه، فقیه و... با انگیزه های گوناگون سیاسی، مذهبی، اقتصادی و یا انگیزه های شخصی مانند انتقام گیری و حسادت های زنانه، با استفاده از سموم کشنده به قتل می رسیدند. بررسی تاریخ تحولات سیاسی جهان اسلام نیز نشان می دهد که این شیوه ترور در ادوار مختلف و در میان قشرهای مختلف مردم به ویژه درباریان کاربرد داشته است. علی رغم رواج گسترده شیوه مسموم کردن برای حذف دشمنان و مخالفان و نقش آن در تحولات سیاسی- نظامی تاریخ اسلام، این موضوع تاکنون کمتر مورد بررسی علمی و جامع قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی های انجام شده، مقاله «بررسی فرآیند مسموم سازی در دوران امارت و خلافت معاویه» نوشته علی محمد ولوی و ملیحه سرخی، (۱۳۹۳) از معدود مقالات مرتبط با پژوهش حاضر است که در مجله مطالعات تاریخ اسلام به چاپ رسیده

* نویسنده مسئول

است. چنانکه از عنوان مقاله پیداست، این تحقیق محدود به معاویه بن ابوسفیان است که برای رسیدن به اهداف سیاسی اش از سم به عنوان ابزاری کاربردی در جهت منافع خود بهره می برده است.

پژوهش «کاربرد ابزارها و سلاح های شیمیایی در تاریخ» نوشته رحیم شبانه که در مجله رشد آموزش تاریخ منتشر شده (۱۳۹۷) به صورت مختصر و گذرا سابقه تاریخی استفاده از ابزارهای شیمیایی از دوره باستان تا دوره معاصر را مطالعه کرده است. تحقیقی با عنوان «ده سم مهلکی که برای کشتن انسان مورد استفاده قرار می گرفته اند» به قلم حسین علی پناهی (۱۳۹۵) در پایگاه اینترنتی Roozalo.com در دست است. در این نوشتار نویسنده به معرفی ده سم کشنده با منشأ گیاهی و حیوانی پرداخته است.

نوشتار «بیوتروریسم و جنگ افزارهای بیولوژیک از گذشته تا به امروز؛ یک مطالعه موردی کلاسیک» نوشته مجید زارعی بیدگلی و مهدی بلالی موعود در مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. این مقاله با رویکردی کاربردی و در حوزه زیست شناسی به رشته تحریر درآمده است.

در نهایت باید از پژوهشی با عنوان «The Biological Weapons And Their Functions In the Middle Ages history of Iran» نوشته شعبانی و دیگران یاد کرد؛ در این پژوهش که در سال (۲۰۲۲) به چاپ رسیده است؛ کاربرد سلاح های بیولوژیکی از جمله سموم در سده های میانه تاریخ ایران مورد واکاوی و خوانش قرار گرفته است. گرچه سلسله مقالات یاد شده به ویژه مطالعه اخیر با نوشتار پیش رو همپوشانی دارد، در پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی و... نوشته شده است، سعی بر آن است ضمن مطالعه روش های مسموم سازی و علل دست یازیدن به این اقدام، در بستر تاریخی به عوامل ترور و شیوه های استفاده از سموم اشاره کند؛ و در نهایت، استفاده از ترور بیولوژیک به عنوان یک استراتژی نظامی را در میان مسلمانان با تأکید بر ایران دوره اسلامی، واکاوی و بررسی کند.

۱. پیشینه تاریخی کاربرد سم

گرچه تاریخچه ی کاربرد مسموم سازی در ایران باستان به سبب ضعف نگاشته های تاریخی چندان معلوم نیست، گزارش های پراکنده مورخان عهد باستان حکایت از رواج زهرآلود کردن سلاح و کشتن مخالفان سیاسی و صاحبان قدرت با سم دارد. قتل اردشیر سوم، مسموم کردن همسر اردشیر و مرگ شیرویه گواهی بر استفاده از مسموم کردن به عنوان ابزاری جهت حذف و قتل در ایران باستان است (Shabani and others, 2022: 7-8).

در میان اعراب پیش از اسلام با توجه به شواهد و گزارش های تاریخی کاربرد سموم برای حذف و قتل امری مرسوم بوده است؛ چنانکه ابن اثیر در گزارش حضور نمایندگان بنی ثقیف در شهر مدینه به منظور پذیرش اسلام به این مطلب اشاره کرده که نمایندگان قبیله ثقیف به دلیل ترس از مسموم شدن به هیچ خوراکی پیش از آنکه خالد بن سعید بن عاص آن را بخورد، دست نمی زدند (ابن-اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۲۸۳).

بعد از گسترش اسلام با وجود روایاتی از پیامبر دال بر نهی از انتشار سم در سرزمین مشرکان (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۱/۱) باب ۱۶/۴۶؛ و نیز حرام بودن سم در فتاوی فقها که به کرات مسلمانان را از کاربرد سموم در جنگ ها و مسموم کردن آب دشمن توسط زهر نهی کرده اند، سم به عنوان ابزاری برای درهم کوبیدن مخالفان و از میان برداشتن رقبای سیاسی و مذهبی روشی شایع برای

صاحبان قدرت بوده است. دلایل ممنوعیت به کارگیری از سموم به سبب کشتار و انهدام جمعی آن بود؛ زیرا علاوه بر آنکه موجب مرگ غیرنظامیان می شد، آثار مخرب بر محیط زیست و موجودات زنده را نیز به دنبال داشت (نک: نجفی، بی تا: ج ۲۱، ص ۸-۶۷). اما گسترش فرایند مسموم سازی به عنوان ابزار حذف و قتل سبب شد که برخی از نویسندگان در متون تاریخی و ادبی به این حوزه اشاره کنند. چنانکه قاضی تنوخی در کتاب الفرج بعد الشده به دسته بندی مجازات پرداخته و آن را به دو نوع با قصد قتل و بدون قصد قتل تقسیم کرده است؛ او مجازات به وسیله سم را در زمره کشتن با قصد قتل که به شیوه پنهانی انجام می شد، آورده است (تنوخی، ۱۹۷۵: ۳/۳۶۶)؛ گرچه مسموم کردن فقط در مورد عمل قتل پیش می آمد و وسیله رایج برای مجازات اعدام نبود (اشپولر، ۱۳۷۳: ۱۷۱/۲).

بر اساس گزارش های موجود، از نخستین و مهمترین فرایند مسموم سازی در میان مسلمانان و استفاده از زهر برای حذف شخصیت های سیاسی، مذهبی و نظامی را می بایست در مصادیقی چون سوء قصد به جان پیامبر در جریان فتح خیبر (طبری، ۱۳۷۵: ۴/۱۵۶۲)، مسمومیت خلیفه ابوبکر (همان)، قتل علی (ع) توسط خوارج (همان: ۱۱۰)، قتل امام حسن، مالک اشتر (طبری، ۱۳۷۵: ۵۴/۶)، سعد بن ابی وقاص و قتل عبدالرحمن بن خالد بن ولید (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۴/۱۶) با زهر عاملین معاویه دانست. حذف و قتل با سم و زهر در تاریخ اسلام عمومیت داشته است به گونه ای که خلفای اموی و عباسی، سلاطین، فرماندهان سیاسی و نظامی برای از میان برداشتن رقبا و مخالفان به این شیوه متوسل و یا خود با این روش مسموم و کشته شدند. به گزارش تاریخی منصور عباسی به سال ۱۳۱ هجری تعداد زیادی از علویان حسنی را زندانی و سپس با خوراندن زهر به قتل رساند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۵/۱۶۲؛ قاضی احمد تنوی، ۱۳۸۲: ۲/۱۲۹۰).

این شیوه ترور در میان حکومت های محلی و خاندان حکومتگر در ایران نیز روشی پسندیده به شمار می رفت. دسیسه دربار خلافت عباسی در مسموم کردن و قتل طاهر بن حسین نمونه نخستین ترور بیولوژیک در ایران دوره اسلامی به شمار می رود (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۳۱۱-۳۱۲). محمود غزنوی و عضدالدوله امیر دیلمی با زهر آلود کردن میوه های راهزنان و دزدان سعی بر رفع خطر و مسموم کردن ایشان را داشتند (نظام الملک، ۱۳۷۸: ۸۶، نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱/۲۲۹).

به نظر می رسد در عصر سلاجقه نیز استفاده از سم و فرایند مسموم سازی برای قتل سلاطین و رجال سیاسی - مذهبی امری مرسوم بوده است (نک: بنداری اصفهانی: ۸۳)؛ چنانکه تعیین فردی با عنوان چاشنی گیر^۱ برای نخستین بار در عصر سلاجقه، دلیلی بر کاربرد فراوان این شیوه توسط سلاطین سلجوقی دارد. ۲ منشی کرمانی در رثای خانواده قاورد که با زهر کشته شده بودند، چنین می گوید: «در مدت حکومت ایرانشاه، تبار و ذریت قاوردی اکثر به تیر قهر و شربت زهر مقتول و مسموم و... شدند و از تخمه سلجوقی، شاهی که سزاوار باشد، نماند» (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۸). در ادوار بعدی تاریخ ایران و عصر مغول و تیموری و دیگر خاندان حکومتگر غوری و آل کرت استفاده از سم برای حذف مخالفان و تسویه حساب های سیاسی نیز جریان داشت (نک: اشپولر، ۱۳۷۳: ۱۲۲، مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۲۵). مخالفان و بسیاری از رجال مقتدر عصر قاجار با ترور بیولوژیک توسط شاهان و

^۱ چاشنی گیر، عنوان صاحب منصبی در دربار برخی از سلاطین مسلمان بود که وظیفه چشیدن غذای سلطان را برای اطمینان یافتن از زهر آلود نبودن آن برعهده داشت.

^۲ اگرچه ضرورت به کارگیری چنین افرادی در دستگاه های سلطنتی باید به زمان های بسیار قدیم برسد، در منابع مکتوب گزارشی از وجود چنین سمتی پیش از دوره سلجوقی دیده نمی شود (دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل چاشنی گیر).

امیران عصر قاجار از سر راه برداشته شدند. اصطلاح قهوه قجری^۳ اشاره به سیاست‌های مرگبار شاهان قاجار و حذف رقبا با قهوه و دیگر معجون‌های مسموم به سم سیانور دارد.

نکته قابل توجه آنکه عاملان عملیات ترور با سم برای گمراه کردن اذهان عمومی و میرا کردن خود از اتهام قتل دست به اقداماتی می‌زدند. چنانکه با قتل عبدالله بن عمر با نیزه مسموم که به دستور حجاج بن یوسف روی داد، حجاج در دوران بیماری عبدالله به عیادت او رفت و پس از مرگ بر جنازه‌اش نماز خواند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۲/۲۷۲؛ نویری، ۱۳۶۴: ۱۹/۳۹۴). همین شگرد در جریان مسموم شدن و قتل امام کاظم (ع) توسط هارون الرشید خلیفه عباسی (۱۷۰-۱۹۳ ق) صورت گرفت. بعد از قتل امام، به دستور هارون، سندی بن شاهک، هیشم بن عدی و بعضی دیگر از علماء و فقهای بغداد را طلبید و گفت: «نظر کنید در موسی تا شما را معلوم شود که به اجل طبیعی درگذشته و اثر جراحی بر اعضای او ظاهر نیست» (خواندمیر، ۱۹۷۵: ۲/۸۰؛ جهشیاری، ۱۴۰۸: ۱۰۷).

در کنار خوراندن زهر و سم برای حذف فیزیکی مخالفان سیاسی و نظامی، خودکشی و عملیات انتحاری به عنوان یکی از راه-کارهای رهایی از اسارت و حوادث احتمالی صورت می‌گرفت. زمانی که یکی از خاندان برمکی به دربار اموی احضار شد سمی با خود به همراه داشت. او درباره علت این اقدام گفته است: «...سلیمان مرا طلب فرمود چون سبب معلوم نبود، اندیشیدم که اگر از من خزینه طلبند یا چیزی خواهد که ادا نتوانم کرد یا تعرضی رسانند که بیرون طاقت من باشد، این نگین بردارم و این زهر به کار برم تا از محنت و مذلت باز رهم» (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱/۱۶۴؛ خواندمیر، ۱۹۷۵: ۲/۲۳۲). خودکشی اسپهبد خورشید به وسیله سم، پس از شنیدن اسارت خاندانش توسط اعراب، نمونه دیگری از کاربرد سلاح بیولوژیک زهر برای قتل نفس است (آملی، ۱۳۴۸: ۵۹؛ خواندمیر، ۱۹۷۵: ۲/۴۰۴).

۲. علل کاربرد سلاح بیولوژیک سم و زهر

قتل خلفا، سلاطین و حذف فیزیکی رجال با نفوذ با سلاح سم و زهر به دلایل سیاسی، نظامی و دینی صورت می‌گرفت. توسل به ترور بیولوژیک به سبب فرونشاندن مشکلات و واکنش‌های احتمالی از قتل بزرگان، امرا و افراد سرشناس و نیز به منظور رهایی از ننگ و رسوایی قتل و دوری از اتهام به رذایل اخلاقی انجام می‌شد. دینوری عقیده خود را درباره‌ی قتل نظام‌الدین خورشید پروانه با استفاده از سم اینگونه بیان می‌کند: «رای بر آن قرار گرفت که تدبیری نمایند و سمومی در کار او کنند و زحمت وجود او از میان بردارند تا بی‌مناقصی آنچه مصلحت ملک باشد و موجب انتظام دولت، تمشیت پذیرد» (دینوری، ۱۳۷۱: ۴۰۷). در جریان ماجرای پناهنده شدن فخرالدوله دیلمی به قابوس بن وشمگیر، امیر عضدالدوله بدین ترتیب کشتن رقیب سیاسی خود را به وسیله سم به قابوس پیشنهاد می‌کند: «پس اگر نخواهی که این بدنامی بر خویشتن نهی. هم آنجا وی را زهر دهی تا غرض ما حاصل آید و بدنامی بر تو نباشد...» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۳: ۲۳۵).

برای حذف مخالفان و رقبا آنها را متهم به استفاده از ترور بیولوژیک بزرگان و صاحب منصبان سیاسی می‌کردند، بدون آنکه در حقیقت قتل و مرگ روی داده باشد. نظام‌الدین خورشید با اتهام به این امر که او درصدد بوده سلطان بایجو را با میوه گلابی مسموم کند، از میان برداشته شد (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۲۸۹). قتل بغدادخاتون همسر سلطان ابوسعید به اتهام مسموم کردن و کشتن سلطان

^۳. قهوه مسمومی که پادشاهان قاجار به کسانی که علناً نمی‌توانستند بکشند، می‌دادند و می‌خوراندند (دهخدا، ذیل واژه).

با زهر (خواندمیر، ۱۹۷۵: ۳/ ۲۱۹؛ قاضی احمد تتوی، ۱۳۸۲: ۷/ ۴۴۶۷؛ اقبال، ۱۳۴۸: ۳۴۵) از موارد دیگری است که افراد به اتهام نقشه و توطئه برای مسمومیت بزرگان و سلاطین به قتل رسیده‌اند. در مواردی نیز برای سیطره بر منطقه و تصرف ناحیه‌ای از سیاست مسموم‌سازی استفاده می‌شد.

چنانکه وقتی امیرخلف صفاری فرمانروای سیستان، قصد حمله به کرمان را داشت نقشه خود را با این بهانه که والی کرمان، قاضی ابویوسف سیستانی را مسموم کرده است، عملی ساخت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۴۵۱/۷).

اگرچه مسموم‌سازی شیوه‌ای مطمئن و کارساز برای حذف فیزیکی مخالفان بود، در مواردی این امر فاش می‌شد و مأموران، خود گرفتار می‌شدند. چنانکه ابن اثیر گزارشی در خصوص تلاش یوسف بن تاشفین برای حذف و ترور محمد بن ابراهیم کزولی، رئیس قبیله کزوله، توسط حجامتگر با ابزار حجام و عسل مسموم دارد که در هر دو مرتبه ترور نافرجام و عاملان خود گرفتار و به قتل رسیدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۳/ ۱۵۵).

روش دیگری که باز استفاده از سموم در حذف و قتل یاد شده است آن بود که شخص محکوم به قتل در میان روش‌های مختلف مردن خوردن سم را انتخاب می‌کرد (کتبی، ۱۳۳۵: ۴۸). نویسنده کتاب تاریخ لرستان در روزگار قاجار درباره قتل مهرعلی خان سگوند و آقا ربیعا آورده است: «شاهزاده دستور داد که مهرعلی خان را مخیر سازد که زهر بیاشامد و یا به وسیله طناب خفه و یا با طپانچه کشته شود... و مهرعلی خان... کاسه زهر را از میر غضب گرفته به سر کشید» (همان: ۳۷۳)؛ «... بعد از مراجعت به بروجرود به فاصله دو روز نظام السلطنه مصمم به کشتن آقا ربیعا می‌شود و شب توسط میر شیخ علی خان یک جام زهر قتال و یک طناب و یک طپانچه نزد آقا ربیعا می‌فرستد و میر شیخ علی خان از قول نظام السلطنه به او پیغام می‌دهد که هرکدام از این سه تا را می‌خواهد، انتخاب کند. آقا ربیعا جام زهر را برداشته و لاجرم سر می‌کشد و به رحمت ایزدی واصل می‌گردد» (همان: ۶۶۸).

۳. کاربرد سم در نبردهای نظامی

استفاده از سلاح بیولوژیک زهرآگین و سمی از شناخته‌ترین روش‌های ترور بیولوژیک در نبردها به شمار می‌رفت. سابقه تاریخی استفاده از این روش متداول در عرصه نظامی را می‌توان حتی در اساطیر باستانی جستجو کرد. در داستان اسفندیار و کشته شدن سیمرغ به سلاح زهرآلود اشاره شده است. در نبرد اسکندر مقدونی با هند، مردم این سرزمین از تیرهای سمی استفاده کردند و شکست امپراتوری روم از سپاه اشکانیان به سبب کاربرد سلاح زهرآگین توسط لشکریان اشکانی اتفاق افتاد (Shabani and others, 2022: 9). در قرون نخستین اسلامی به کاربرد تیرهای سمی در نبردها نیز امری شناخته شده بود. البته در منابع و گزارش‌های تاریخی اطلاع دقیقی درباره نحوه مسموم‌سازی سلاح‌های جنگی و چگونگی آغشته شدن به زهر و تهیه آن در دست نیست. تنها می‌توان به گزارشی اشاره کرد که در میان خوارج ازارقه آهنگری سرنیزه‌های مسموم می‌ساخت (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۸/ ۲۴۳؛ میرد، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۹۲). قتل حضرت علی توسط شمشیر زهرآگین خوارج را می‌توان از نخستین نمونه‌های کاربرد سلاح سمی در قرون نخستین اسلامی یاد کرد. در این خصوص به نقل از ابن ملجم آمده است: «مدت یک ماه همواره شمشیرم را مسموم و زهرآگین می‌ساختم و اگر این ضربه کاری نباشد، خدا آن شمشیر را نیست و نابود کند» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۳/ ۳۰؛ دینوری، بی تا: ۲۶۱). از دیگر نمونه‌های برجسته می‌توان به استفاده خوارج از تیرهای زهرآگین در نبرد با مهلب بن ابی‌صفره (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۱/ ۱۳) و نیز به کاربرد سلاح سمی در دوران خلافت مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ ق)، توسط یوسف بن ابی‌الساج در جنگ با

قراطمه نام برد که در آن حدود پانصد نفر از قرمطیان با تیرهای مسموم زخمی شدند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۶۳/۲۳).

یکی از حوادثی که در پایان جنگ‌ها روی می‌داد خودکشی با سم بود. به طوری که گاه مردان جنگی و رجال سیاسی از ترس عقوبت و پیش از آن‌که شکنجه شوند و یا برای رها شدن از خفت و خواری، دست به خودکشی می‌زدند. عملیات انتحاری ابن مقفع و همراهانش با سم به جهت آنکه گرفتار اسارت سپاهیان عباسی نگردند از آن جمله است. محمد سوری زمانی که به اسارت سلطان محمود غزنوی درآمد (۳۹۱ ه.ق) با زهر موجود در نگین انگشتری اش خودکشی کرد (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۳۱۴؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۳۹۳). این امر حکایت از کارکرد سلاح بیولوژیک سم در نبردهای نظامی دارد.

۱.۳. فرایند مسموم‌سازی

مسموم‌سازی توسط افراد موثق در فرصت‌های خطیر انجام می‌گرفت. گاهی به منظور پنهان کردن جنایت، از سم به صورت تدریجی استفاده می‌کردند یا سمومی به کار می‌بردند که اثر فوری نداشت و به مرور زمان قدرت جسمانی فرد تحلیل می‌رفت و سیستم دفاعی بدنش کارایی خود را از دست می‌داد. از نمونه‌های آن می‌توان به مسمومیت‌های مکرر امام حسن (ع) به تحریک معاویه اشاره کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲/۱: ۳۸۹؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۱۷/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۸۲/۳)؛ چنانکه برخی منابع، بیماری امام را علت مرگ ایشان ذکر کرده‌اند (نک: ابن قتیبه دینوری، بی تا: ۱/۱۹۶).

در کتاب خاطرات تاج السلطنه در خصوص قتل جمال‌الدین اسدآبادی با سم آمده است، پس از اینکه سلطان عثمانی از کارهای جمال‌الدین اطمینان حاصل می‌کند، تصمیم به قتل او می‌گیرد. «... لیکن، چون نمی‌توانسته فوری او را به قتل برساند، مسمومش می‌کند. لیکن، سمی بوده که فوری هلاک نمی‌کرده و به مرور او را می‌کشت. در همان عمارت که منزل داشت، توقیف بوده است. تا اینکه پس از یک سال تمام، زبانش ریخته، گوش‌هایش از هم متلاشی می‌شود و می‌میرد» (تاج السلطنه، ۱۳۶۲: ۵۹-۶۰).

۲.۳. عاملان مسموم‌سازی

بر اساس گزارش‌های موجود، بیشتر قتل‌هایی که با این شیوه صورت پذیرفته، از طریق افراد معتمد و نزدیک مانند کنیزان و غلامان یا پزشکان دربار اتفاق می‌افتاد.

۱.۲.۳. پزشکان

گزارش‌های تاریخی بیانگر آن است قتل و مسموم کردن رجال بانفوذ اغلب توسط پزشکان دربار صورت می‌گرفت. پزشکان اغلب با تجویز داروی آمیخته با سم و یا با استفاده از ابزار پزشکی مسموم مانند نیشتر حجامت و فصد و... در حذف مخالفان نقش داشتند. برای نمونه منتصر عباسی با نیشتر مسموم حجامت پزشکی خود کشته شد (طبری، ۱۳۷۵: ۲۵۱/۹؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۱۸/۴؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ۲۲۴/۹). عده زیادی از بزرگان و امراء و مسلمانان به دستور معاویه و توسط ابن‌آثال نصرانی پزشک مخصوص او با زهر کشته شدند. ابن‌آثال اطلاعات وسیعی از داروهای مفرد و مرکب و خواص آنها داشت و ترکیبات سمی را می‌شناخت و معاویه به همین سبب، او را به خود بسیار نزدیک کرده و از محارم خود قرار داده بود. به نوشته منابع تاریخی: «معاویه هر وقت می‌خواست برای صلاح سلطنت خویش کسی را شربت هلاک بچشاند و قدرت قتل او را نداشت، ابن‌آثال به اشاره او در ضمن معالجه آن فرد به هلاک او می‌پرداخت و اگر آن شخص در سرزمین دیگر بود، معاویه از سموم همین طبیب با فرستادن واسطه‌هایی به آن سرزمین به مقصود خویش می‌رسید» (یعقوبی، ۱۵۳/۲؛ ابن ابی‌اصیبه، ۱۳۸۶: ۲۷/۲).

اندوخته علمی پزشکان از کارکرد زهرها از طریق کتب و نوشته های پزشکی بود. بر اهل تحقیق روشن است که پزشکان از روزگاران قدیم برای درمان بیماری ها و ساخت داروهای مرکب، از ترکیب مواد مختلف از جمله سموم استفاده می کردند. از این رو، دانشمندان و پزشکان مسلمان نیز در آثار خود هم در درمان و هم در بخش داروسازی، به موضوع سمها پرداخته اند.

نکته مهمی که پزشکان و نویسندگان متون پزشکی در دوره اسلامی بدان توجه جدی می کردند، سعی در پنهان داشتن دانستی های مربوط به سمها از دسترس عامه مردم بود؛ و تأکید می کردند که این آگاهی ها باید، منحصراً در اختیار متخصصان باشد، تا مبادا کسی از آن برای زیان رساندن به نوع بشر بهره گیرد. چنانچه جابر بن حیّان در کتاب السموم و دفع مضارها چنین می گوید: «هرگز هدفمان تنها ذکر سمها نیست؛ زیرا در آن کار، هیچ فایده ای نیست و روش کار در این گونه امور، این است که پنهان آورده شوند و به رمز بازگو گردند و در کتابها ذکر نشوند و من می گویم که بر کسانی که مطلب های موجود در این کتاب را شناخته اند، حرام است که آن مطلب ها را در اختیار کسانی بگذارند که تقوا یا ترس از خدا ندارند؛ زیرا با آنها گرفتار خواهند شد و انگیزه نابودی و کيفر هميشگی ایشان فراهم خواهد گشت» (الحمود، ۱۳۸۵: ۲۵۸). همچنین سید اسماعیل جرجانی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی خود که برای محمد خوارزمشاه (د: ۵۰۶ ه.ق) به زبان پارسی تألیف کرده است، در یادکردش درباره ی زهرها می نویسد: «این کتاب را از این علم خالی نشایست گذاشت؛ لکن صواب چنان دیده آمد که آنچه نام های زیانکار و خاصیت و فعل آن است، به تازی یاد کرده آید تا به وجهی پوشیده تر باشد و آنچه دفع مضرت و علاج آن است، به پارسی یاد کرده آید تا ظاهر تر بود و منفعت آن عام تر» (جرجانی، ۱۳۴۴: ۶۲۷). با توجه به مطالب گفته شده می توان چنین نتیجه گرفت که در بیشتر مواقع سمها توسط پزشکان و متخصصان فن تهیه می شد و در اختیار عاملان ترور قرار می گرفت.

۲.۲.۳. کنیزان و غلامان

کنیزان و غلامان مورد اعتماد سلاطین و بزرگان نقش مهمی در امر مسموم سازی داشته اند. گاهی این افراد به همین منظور خریداری و تربیت می شدند و به عنوان هدیه به صاحب منصبان سیاسی بخشیده می شدند؛ تا علاوه بر جاسوسی و رساندن اطلاعات، در مواقع ضروری عملیات ترور را انجام دهند. چنانکه در شرح حال عمرولیث صفاری گزارش شده است: «یکی از عادات عمرولیث آن بود که غلامی خرد خریدی... و تربیت ایشان کردی. چون بزرگ می شدند آن جماعت را به امرا بخشیدی، و دست از رعایت ایشان باز نمی داشت تا آن ممالیک مجموع حالات مالکان خود را در خفیه به عرض می رسانیدند. و چون امرا از قضیه غلامان بی خبر بودند، گمان می بردند که جمعی از جنیان ملازم پادشاه اند و او را از حال نهانی اعلام می نمایند» (همان: ۴/۱۸). رخداد مسموم کردن و قتل طاهر بن حسین والی خراسان به دستور مأمون عباسی نیز توسط کنیز وی که در دستگاه طاهر حضور داشت، روی داد: «... چون طاهر نام مأمون را از خطبه قطع کرد، کنیز سم را در کامه ریخت، و طاهر از آن خورد و هماندم درگذشت» (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۳۱۲).

۴. راه کار تشخیص سم

پیشگام ترین افراد انسانی در استفاده از سموم، سلاطین و درباریان بودند. از این رو، موضوع رواج سموم قتاله و استفاده از آن در خوراکی ها و نوشیدنی ها و... همواره از دغدغه های خلفا و سلاطین بود و آنان همواره در پی تشخیص سم با وسایل و شیوه های مختلف بودند. از جمله راهکارهای درباریان برای جلوگیری از مسموم شدن، به کار گرفتن افرادی برای امتحان کردن غذا و شراب

خود بود. در برخی کتاب‌های موسوم به سیاست‌نامه نیز، ضمن توصیه‌هایی که به پادشاهان می‌شد، استخدام همین افراد بود. چنانکه شیرزی در فصل سیزدهم کتاب النهج المسلوک فی سیاست الملوک (ص ۲۶۳ و ۲۶۴) ضمن آوردن مطالبی درباره راه‌های شناخت طعام و شراب و ابزارهای مسموم، توصیه کرده، «شایسته است پادشاه یک خادم برای این کار اختصاص دهد تا از حيله و نیرنگ در امان بماند. این افراد که وظیفه چشیدن غذای سلطان را برای اطمینان یافتن از زهرآلود نبودن آن برعهده داشتند در تاریخ با نام‌هایی چون چاشنی‌گیر (بیهقی، ۱۳۷۵: ۵۲۷) و صاحب‌الطعام (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۴۲۲/۱) یاد شده‌اند.^۴ این افراد به جهت اهمیت مسئولیتی که برعهده داشتند، از میان معتمدان انتخاب می‌شدند.

۵. ابزار مسموم‌سازی

مسموم کردن افراد با استفاده از ابزارهای گوناگون و به شیوه‌های مختلف صورت می‌گرفت. به این طریق که با زهرآلود کردن نوشیدنی‌ها، خوردنی‌ها، داروها، ابزارهای پزشکی، سلاح‌های جنگی، پوشیدنی‌ها و زیورات، بویدنی‌ها و... صورت می‌پذیرفت. اما آنچه بیشتر رایج بود، مسموم کردن افراد با غذا و شربت و ابزارهای پزشکی بود. شیرزی نیز در کتابش ده شیء را نام برده که به وسیله آنها عمل مسموم‌سازی انجام می‌گرفت و سپس به علامت‌های هرکدام از این اشیا در صورتی که مسموم باشد، اشاره می‌کند (شیرزی، ۱۴۱۵: ۴-۲۶۳).

۱.۵. نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها

از موارد رایج در استفاده از سم برای کشتن مخالفان، مسموم ساختن نوشیدنی و خوراکی‌ها اعم از شربت، غذا، میوه و... بود که اغلب با فریفتن معتمدین دربار چون آبدار، شرابدار، چاشنی‌گیر، کنیز و غلام و... انجام می‌گرفت. مسموم شدن و قتل مالک اشتر با عسل، قتل مروان بن حکم (۶۴-۶۵ ه.ق) با شیر مسموم توسط همسرش و نیز کشتن افشین با شربت مسموم در زندان به دستور معتصم عباسی (۲۲۶ ه.ق) از مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد (ابن ابی اصیبعه، ۱ / ۴۰۴؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۹۳/۲؛ خواندمیر، ۱۹۷۵: ۲/۲۶۷).

در ماجرای شورش ترکان علیه خلیفه معتز عباسی (۲۵۲-۲۵۵ ه.ق) و کشته شدن خلیفه آمده‌است: «... غلامان در رفتند و او را بیرون کشیدند... و در حمامی گرم بردند و آب و یخ زهرآلود دادند، بدان درگذشت» (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۳۲۸). فوت شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق) توسط خواهرش پریخان خانم با همدستی جمعی از قزلباشان به سبب مسمومیت حب‌های فلونیا روی داد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۸۶۶؛ راوندی، ۱۳۸۲: ۷/۲۳۰).

همانگونه که گفته شد از جمله نوشیدنی‌های مسموم که در تاریخ عصر قاجار رواج بسیار یافت، قهوه (قهوه قجری) و یا معجون‌های سمی بود. چنانکه مرگ میرزا آقاخان نوری (د: ۱۲۴۳ ه.ش) و محمدخان سپهسالار (د: ۱۲۸۴ ه.ش) صدراعظم‌های عصر ناصری را با استفاده از همین شیوه ذکر کرده‌اند.

۲.۵. سلاح‌های جنگی (شمشیر، خنجر، تیر، نیزه و...)

علاوه بر مواد خوراکی، مسموم کردن ابزار و آلات جنگی نیز روشی مرسوم برای حذف فیزیکی رجال سیاسی و نظامی بود.

^۴. جهت آگاهی بیشتر نک: دانشنامه جهان اسلامی، مدخل چاشنی‌گر
^۵. فلونیا ترکیبی از تریاک و بنگ و مواد مخدر دیگر بود که به صورت حب می‌ساختند.

گزارش‌های بسیار در منابع تاریخی درباره رواج کاربرد این شیوه در جنگ‌ها و یا عملیات ترور با سلاح آغشته به سم، موجود است که پیشتر به آن اشاره شد.

۳.۵. جامه و زیورآلات زهرآلود

زهرآلود کردن البسه نیز از روش‌های قتل و حذف بود؛ شیوه‌ای که در عربستان قبل از اسلام نیز کاربرد داشت. امرؤالقیس بن حجر شاعر معروف عرب با پیراهن مسمومی که قیصر روم برای او فرستاده بود، کشته شد. او با پوشیدن آن لباس گوشت بدنش فرو ریخت و به این دلیل او را ذاللقروح لقب دادند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴: ۶۹/۹؛ نویری، ۱۳۶۴: ۱۹۳/۵). تلاش معاویه برای قتل امام حسن توسط دستارچه زهرآلود (بلعمی، ۱۳۷۸: ۶۸۳/۴)، قتل خالد بن معمر والی خراسان توسط معاویه با جامه مسموم (بلاذری، ۱۹۸۸: ۵۶۹) از دیگر مواردی است که می‌توان نام برد. طرطوشی در کتاب سراج‌الملوک خود به قتل یکی از پادشاهان هند توسط زنی با استفاده از خلخال مسموم اشاره کرده است (طرطوشی، ۱۴۱۵: ۵۲۶).

۴.۵. استشمام

مسموم کردن مواد بوییدنی نیز برای ترور بیولوژیک اشخاص کاربرد داشت. به گزارشی مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق) با استشمام نامه‌ای زهرآلود توسط برادرش معتصم (۲۱۸-۲۲۷ ه.ق) درگذشت (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۳۱۵) و ادريس بن عبدالله ۶ با استشمام عطر مسموم به قتل رسید (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۳۹: ۲/۲۳۸-۹). خلفا و سلاطین برای قتل و حذف فیزیکی مخالفان تنها به ابزار یاد شده بسنده نمی‌کردند؛ چنانکه یحیی بن هبیره وزیر خلیفه عباسی دشمن را با سکه مسموم به قتل رسانید: «...دینارهایی را که به زهر آلوده بود در دهان او ریخت. مرد بر اثر دینارهای مسموم همان روز درگذشت» (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۲۲).

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کاربرد سم و مسموم‌سازی اشخاص روشی شناخته شده در تاریخ اسلام و ایران اسلامی بوده است. بدون شک سم یکی از سلاح‌های مهلک بوده که در طول تاریخ برای کشتن انسان‌ها استفاده می‌شده است. کشتن با سم یا زهر که در زمره قتل‌های غافلگیرانه یا ترور محسوب می‌شود، در جوامع مسلمان نیز رواج داشته است. مسموم‌سازی به عنوان شیوه‌ای مطمئن و بدون دردسر برای از میان برداشتن دشمنان، همواره مورد توجه بوده و مسموم کردن افراد با استفاده از ابزارهای گوناگون و به شیوه‌های مختلف صورت می‌گرفته است. غالب کسانی که با مسمومیت ترور بیولوژیک شده‌اند، جایگاه و منزلت بالایی داشتند و کشتن آنها به شیوه آشکار می‌توانست مشکلاتی را برای عامل یا عاملان قتل به دنبال داشته باشد.

به این طریق که با زهرآلود کردن نوشیدنی‌ها، خوردنی‌ها، داروها، ابزارهای پزشکی، سلاح‌های جنگی، پوشیدنی‌ها و زیورآلات، بوییدنی‌ها و برخی دیگر از ابزارها اقدام به قتل می‌کردند.

موضوع رواج سموم قتاله و استفاده از آن در خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و... همواره از دغدغه‌های سلاطین و پادشاهان بود. از این‌رو همواره در پی تشخیص آن به شیوه‌های مختلف از جمله استخدام اشخاصی که پیش از آنها خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را

۶. گرچه به قتل وی با دواي زهرآلود نیز اشاره شده است.

امتحان کنند، به کارگیری برخی حیوانات و ابزارها که به گمان آنها می‌توانست از خطر سم آنها را آگاه سازد، بودند. از منظر دیگر، مجازات با سم، خودکشی با سم و اتهام به مسموم‌سازی، از دیگر موارد کاربرد سم است که گزارش‌هایی از آنها به دست آمد. به کارگیری سم در مناسبات سیاسی و نظامی در دولت‌های مسلمان در طول تاریخ اسلام موضوعی بسیار مهم و حائز اهمیت بوده است و سیاستمداران و حلقه‌های حکمرانی در استفاده از روش مسموم‌سازی برای رسیدن به اهداف سیاسی خود غافل نبوده‌اند. علاوه بر آن، طبق شواهد تاریخی یکی از استراتژی‌های نظامی پرکاربرد و البته کارآمد ترور بیولوژیک در مناسبات نظامی است که با روش‌های مختلفی به اجرا در می‌آمده؛ تا آنجا که نتیجه جنگ‌ها با ترور بیولوژیک طرف مقابل تغییر می‌کرده است. پژوهش حاضر نشان داد که روش‌های متعدد مسموم‌سازی همانگونه که در تاریخ پیش از اسلام ایران و دیگر سرزمین‌هایی که بعدها در قلمرو اسلامی قرار گرفتند، اجرا می‌گردید و از سیاست‌های حکمرانان بود، در دوره اسلامی هم کاربرد فراوان داشته و ترورهای بیولوژیک در معادلات قدرت کاملاً استفاده می‌شده است. بدین منظور بازیگران متعددی در سرزمین‌های اسلامی برای ایفای نقش‌های ترور به کار گرفته می‌شدند و نتایج حائز اهمیتی از ترورهای بیولوژیک حاصل می‌شد.

منابع

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم (۱۳۸۶). عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، ترجمه سید جعفر غضبان، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). تاریخ کامل اسلام و ایران، جلد ۱۳، ترجمه عباس خلیلی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بی بی، یحیی بن محمد (۱۳۵۰). اخبار سلاجقه روم به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی بی، تهران: کتابفروشی تهران.
- ابن حمدون، محمد بن حسن بن محمد بن علی (۱۹۹۶). التذکره الحمدونیه، تصحیح إحسان عباس و بسکر عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن قتیبه دینوری (بی تا). الامامه و السیاسه، تصحیح علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی (۱۳۷۴). الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۰). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجمیل.
- ابن عماد حنبلی، شهاب الدین (۱۴۰۶). شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق الأرنؤوط، دمشق: دار ابن کثیر.
- ابن مسکویه، ابو علی مسکویه الرازی (۱۳۷۹). تجارب الأمم، تحقیق ابو القاسم امامی، تهران: سروش.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۳۹). فرزندان آل ابیطالب، ترجمه جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۹۴). الأغانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اتحادیه، منصوره و سیروس سعدوندیان (۱۳۶۲). خاطرات تاج السلطنه، تهران: تاریخ ایران.

- اسفزاری، معین الدین محمد زمچی (۱۳۳۸). روضات الجنات في اوصاف مدينة هرات، تصحيح سيد محمد كاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳). تاريخ ايران در قرون نخستين اسلامي، ترجمه جواد فلاطوري و مريم ميراحمدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱- عمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). تاريخ منتظم ناصري، تصحيح محمد اسماعيل رضواني، تهران: دنياي کتاب.
- اقبال آشتياني، عباس (۱۳۸۴). تاريخ مغول، تهران: امير کبير.
- آملی، اولياء الله (۱۳۴۸). تاريخ رويان، تصحيح منوچهر ستوده، تهران: بنياد فرهنگ ايران.
- بلاذري، أبو الحسن أحمد بن يحيى (۱۹۸۸). فتوح البلدان، بيروت: مكتبة الهلال.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸). تاريخنامه طبري، تحقيق محمد روشن، تهران: سروش.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی (بی تا). تاريخ سلسله سلجوقي، ترجمه محمد حسين خليلی، تهران: بنياد فرهنگ ايران.
- بيهقي، ابوالفضل محمد (۱۳۷۵). تاريخ بيهقي، تصحيح علی اکبر فياض، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- تنوخی، محسن بن علی (۱۹۷۵). الفرج بعد الشده، تصحيح عبود الشالجي، بيروت: دارصادر.
- جرجانی، اسماعيل (۱۳۴۴). ذخيره خوارزمشاهي، تهران: انجمن آثار ملی.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن زفر (۱۳۷۴). ترجمه تاريخ يمینی، تحقيق جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جهشياری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۴۰۸). الوزراء و الكتاب، بيروت: دارالفکر الحديث.
- حر عاملي، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسایل الشيعه الى تحصيل مسائل الشيعه، جلد ۱۱. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.
- الحمود، محمدحسن (۱۳۸۵). «سیر سم شناسی در متون پزشکی اسلامی»، ترجمه غلامرضا جمشید نژاد اول، آینه میراث، شماره ۳۵.
- خواندمیر، غياث الدين بن همام الدين (۱۹۷۵). تاريخ حبيب السیر، تهران: خيام.
- دینوری، ابوحنيفه احمد بن داود (۱۳۷۱). اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمري، بيروت: دارالكتاب العربي.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاريخ اجتماعي ايران، تهران: نگاه.
- شيزري، عبدالرحمن بن نصر (۱۹۹۴). النهج المسلوک في سياسة الملوك، شيزري، بيروت: بی نا.
- طبري، محمد بن جرير (۱۳۷۵). تاريخ طبري، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۶. تهران: اساطير.
- طرطوشي، أبو بكر محمد بن محمد (۱۴۱۵). سراج الملوك، تصحيح نعمان صالح، رياض: دار العاذرية للطباعة و النشر.
- عقيلي علوی شيرازی، سيد محمد حسين بن محمد هادي (۱۳۸۵). خلاصة الحكمه، تصحيح اسماعيل ناظم، قم: اسماعيليان.
- عنصر المعالي، كيكاووس بن اسكندر بن قابوس بن وشمگير بن زيار (۱۳۸۳). قابوس نامه، تصحيح غلامحسين يوسفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- فیلسوف الدوله، عبدالحسین بن محمد حسن (۱۳۸۳). مطرح الأنظار في تراجم أطباء الأعصار و فلاسفة الأمصار، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- قاضی احمد تتوی، آصف خان قزوینی (۱۳۸۲). تاریخ الفي، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کتبی، محمود (۱۳۳۵). تاریخ آل مظفر، تهران: ابن سینا.
- مبرد، أبوعباس محمد بن یزید (۱۹۸۷). الکامل في اللغة و الأدب، تصحیح تغارید بیضون و نعیم زرزور، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲). سمط العلی للحضرة العلیاء، تهران: اساطیر.
- نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران: بازار سلطانی.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۹). دستور الکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علیزاده، مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- نظام الملک طوسی (۱۳۷۸). سیاست نامه، تصحیح هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۳۶۴). نهایه الارب فی فنون الادب، تهران: امیرکبیر.
- ولوی، علیمحمد، سرخی کوهی خیلی، ملیحه (۱۳۹۳). «بررسی فرآیند مسموم سازی در دوران امارت و خلافت معاویه»، مطالعات تاریخ اسلام، سال ششم، شماره ۲۰.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- Shabani A. Zarei A. Mohammadi R. (2022). The Biological Weapons And Their Functions In the Middle Ages history of Iran. International Journal of the Humanities. emamali shabani. Ali Zareei. Reza Muhammadi. Volume 29, Issue 1. PP: 1-23.